

ماقبل تاریخ موسیقی . . . ۱

نخستین انسان ساکن غارها ، که بادمیدن در استخوانی توخالی از آن صدای بیرون کشید راه پرفراز و نشیب و ماجرائی را آغاز نمود که به ارکستر سنگنیک امروز رسیده است . قسمتی از سرگذشت این سیروگردش را ، مورخین موسیقی ، بصورت کتب تاریخ موسیقی تهیه و تنظیم کرده اند ، نادوستاران و هنرجویان موسیقی از آن عبرت گیرند و باتوجه بگذشته بآینده کار خود بیندیشند ؛ در این مقاله - که اگر توفیقی دست داد مقدمه یک رشته مقاله دیگر خواهد بود - مارا با این کتب فنی کاری نیست ، آنچه مورد نظر ماست تحولات تدریجی هنر موسیقی در طی قرون متمادی است . ساده تر بگوئیم ؛ قصد ما اینست که همراه خواننده علاقمند ، ببینیم چگونه تکنیک و فرهنگ موسیقی بموازات وقایع اجتماعی و تاریخی ، که اغلب ، تمدن های مختلفی را در گون ساخته ، تغییر و تحول یافته است .

از اسم و رسم مخترع موسیقی متأسفانه اطلاع دقیقی در دست نیست . . . چه ، دفاتر سجل احوال و نیز ثبت اختراعات ، ظاهراً در قرون ماقبل تاریخ چندان رواج نداشته است ؛ و از همینرو نوشتن نخستین صفحات تاریخ موسیقی خالی از اشکال نیست . بنا بر این و بناچار ، محققین امروز مجبورند در اینباره بررسی اشیا ، که باستان شناسان از دل خاک بیرون میکشند ، بپردازند و با اشکال و خطوطی را که بر دیوارهای غارهای قرون نخستین ، کشف شده است مطالعه نمایند تا بلکه از این راه در باره آغاز و ریشه موسیقی حدسی بزنند و یا فرضیه ای بدست دهند . انسان « کرومانیون » (Cro - Magnon) ، که یکی از کهنسال ترین اجداد آدمی است که تاکنون کشف شده است ، شاید روزی در اینباره اعترافات و اطلاعات ذیقیمتی در اختیار اعقاب کنجکاو خود بگذارد . ولی بهر حال ، تاکنون ما حتی از اینکه کی و چگونه انسان ، برای نخستین بار ، زبان و اصوات ملفوظی اختیار کرده و بکار برده است ، خبری نداریم بعلاوه اصلا بدرستی نمیدانیم که آیا اجداد کهنسال ما ، به آواز پیش از کلام و به رقص پیش از آواز پرداخته اند یا پس از آن . در اینباره عقاید بسیار است و مختلف . اطلاعاتی که در این خصوص عرضه میتوانیم داشت متأسفانه از حدود چند سؤال فراتر نخواهد رفت و از خوانندگان درخواست داریم که بر ما منتی گذارند و فعلاً در دریافت جواب دقیق این سؤالات اصرار و عجله نوزند ؛

آیا لذت حاصله از شنیدن برخی از صداهای طبیعت - وزش باد ، ریزش آب ، صدای حیوانات و غیره - بوده که انسان را برانگیخته است تا بیاری حنجره خود و یا اشیاء مصوت ، بتقلید آن صداها

(۱) - در تهیه این مقاله و مقالاتی که در دنباله آن بچاپ خواهد رسید ، از یک رشته مقاله نوشته « امیل ویرموز » (Vuillermoz) نویسنده و موسیقی دان فرانسوی که بصورت سؤال و جواب منتشر گردیده اقتباس شده است . تصاویر آن از « لئون » هنرمند فرانسوی است .

پیردازد؟ و آیا انسان یش یاپس از «اختراع» زبان وادای اصوات ملفوظ دریافته است که صدای اوقابلیت انحنائی دارد که میتواند صداهای خوش آیند ایجاد نماید و «آواز بخواند»؟

همه مادران دنیا متفق القولند که کودک نوزاد، خیلی پیش از اینکه سعی کند کلمه ای تلفظ نماید، زمزمه میکند و «آواز» میخواند و حتی پیش از اینکه بلذت ادای اصوات پی ببرد، بادست وپای خود حرکات موزونی انجام میدهد. از همینرو بسیاری از متخصصین را عقیده براینست که خوشی حاصله از صوت و «تمبر»، نخستین مرحله «اختراع» موسیقی نبوده است. رجرم و انگیزه این زبان سحر آمیز، بنا بر آنچه گذشت، وزن و «ریتم» میتواند بود، ریتم بصورت خالص یعنی رضایت و خوشی غریزی که از ایجاد ویا شنیدن صدای ساده ای که بفواصل معینی تکرار شود، احساس میشود. بدوی ترین موجودات نسبت بهر چیزی که حالت نوسان ورفت و برگشت متناوب و مرتبی در برداشته باشد، حساسیت نشان میدهد. طبیعت خود، مثال ها و نمونه های بسیاری از این قبیل در خود نهفته دارد، چون امواجی که دریا، یکی پس از دیگری، برپیکر صخره ای پرتاب میکند، تشکیلات دقیق کواکب، تسلسل روز و شب و فصول چهار گانه، ضربان نبض و تپش قلب. باتوجه بدینها، میتوان دریافت که همه زندگی و وجود ما با اوزان و ریتمهایی آمیخته است که گرچه از لحاظ سرعت و آهستگی مختلف اند، بیوسته متناوب و در حال فعالیت میباشد. بنابراین احتمال دارد که انسان نخستین، برای تجسم دادن بهیجانات درونی خود، به دست زدن و تماس موزون اشیاء مختلف وادای اصوات مقطع و بانقباض و انبساط عضلانی و حرکات ریتمیک پرداخته باشد. در اینجا باز هم یک مسئله پیش میآید و آن اینکه آیا انسان از راه علاقه بوزن خالص باین فکر افتاده است که با افزودن موسیقی، بدان زینت بیشتری دهد ویا اینکه برعکس، میل بتشدید اوزان یک آواز، او را بکشف خواص ریتم هدایت کرده است. در صورت نخست موسیقی را مولود رقص و در صورت دوم آنرا مادر رقص باید شمرد. این مسئله از دیرباز موضوع اختلاف - و حتی کشمکش های شدیدی - بین هواداران رقص و دوستاران موسیقی است و اگر بر سر آن خونی ریخته نشده باشد مسلماً مر کب بسیار، بی نتیجه «حرام» شده است!



در هر صورت، «موسیقی دانان» دوره غارها، بزودی در جستجوی آنچه که، در پیرامون خود، بکار ایجاد صدا میآمد، برخاسته اند ولسی ظاهراً در بدو امر ایجاد صداهای ترسناک، بیشتر از الحان خوش آیند منظور اینان میبوده است چه، با احتمال قوی نمره حیوانات غول آسا، یش از آواز فاخته و بلبل بگوش اینان میخورده و از همینرو گوش و طبعشان چندان مشکل پسند و پرتوقع نبوده است!

میتوان فرض نمود که کار «اختراع» و ساختن سازهای مختلف، با آلات ضربی آغاز یافته و یک قطعه چوب توخالی استخوان و حجه حیوانات و یک قطعه پوست گسترده مهمترین عوامل نخستین نمونه سازهای ضربی امروز را تشکیل داده اند. موسیقی جاز امروز، که برخی از آلات ضربی

هومی از قبیل « وود بلوکس » (Wood - blocks) ، « ماراکا » ، « کلاو » و « نوم - نوم » را از سرنو زنده کرده از اینراه از فاصله موجود بین مجالس رقص امروز ما و مجالس رقص عصر حجر ، بعد محسوسی کاسته است ؛ سیاهان افریقای مرکزی با « تام - تام » و هندیان با کام طبل های خود ، در توسعه بخش سازهای ضربی آرگستر انسان نخستین ، تشریک مساعی مؤثری نموده اند . . .

و اما در امر اختراع و کشف سازهای دیگر ، مسلماً تقدیر و پیش آمد ، نقش مهمی داشته است . در اینباره میتوان فی المثل فرض نمود که یکی از شکارچیان ساکن غار ، برای نخستین بار در شاخ سوراخ شده گاو وحشی دمیده و صدای خشن و دور گه ای که از آن بیرون آمده موجب مسرت



خاطرش گردیده باشد . ولی مسلماً این مخترع گمنام ، مثل بیشتر مخترعین گمنام ، غافل از این بوده است که این کشف او را در حقیقت پدر معنوی همه و پرتئوز های آینده « کر » ، « ترومیت » ، « ترومبون » و « توبا » خواهد ساخت . . .

از این پس ، یعنی از هنگامیکه بدین نکته پی برده شد که بانفس آدمی میتوان جریان بادی ایجاد نمود ، و با عبس آن در لوله ای و تراکش برجدار آن ، اصوات معینی بدست آورد ، یک مسئله اساسی حل شده بود و باقی مسائل ، فرعی و کم اهمیت میشوند . از این پس ، هم اجداد ما مصروف تنوع شکل ، حجم ، قطر ، و جنس لوله های صوتی گردید و بتدریج دهانه لوله اصلاح شد ، بر آن صفحه ظریفی (« قمش ») افزودند که بصدای آن رنگ و جلای تازه ای می بخشید ، کار تعبیه سوراخهایی بر لوله مزبور تکامل یافت ، مخزن های هوایی و ریه های مصنوعی - که قوی تر از ریه های آدمی بود - ایجاد شد تا ادامه صدا ها بدون خستگی عملی باشد ، به میزان فعالیت انگشتان با وسائل مؤثری چندین برابر افزوده شد و بدینگونه اندک - اندک سازهای زیبایی که در دست نوازنده گان آرگسترهای امروزی می بینیم بوجود آمد . همه افراد « خانواده » ساز های



پادی - و منجمله ارگ که در حقیقت نی انبان عظیمی بیش نیست - از یک چنین اصل ونسبی ریشه میگیرند .

و اما سازهای زهی . انسان ابتدائی ظاهراً خیلی زود اصل قابلیت ارتجاع را دریافته و آن را در ساختن سلاحهای شکاری خود بکار بسته است . بدینمعنی که یک رشته ونسج حیوانی پرمقاومت ، که بجالتی کشیده بر شاخه خمیده درختی بسته باشد ، بدوامکان میداد که تیر کشنده ای

را بفاصله دوری پرتاب نماید. ولی شکارچی ما، پس از پرتاب تیر مسلماً متوجه صدایی میشد که از نوسان «سیم» کمان در حال برگشت بعالت اولیه خود، برمیخاست. از توجه بدین نکته تا بلرزاندن تار کمان، برای لذتی «هنری»، قدمی بیش فاصله نبود. چه، بدینگونه یک نوع «هارپ» یک سیمی کشف شده بود. روزی که یکی از شکارچیان ماقبل تاریخ، که ضمناً طبعی لطیف داشت، برای اینکه دوستان خود را بشکفتی وادارد «سیم» های متعددی بر کمان خود بست و از آن صدا های متعددی بیرون کشید، اختراع سازهای «لیر»، «عود»، «سپتار»، «گیتار» و «هارپ» عمل انجام شده‌ای بود و سرطین سیم لرزنده، که از آن پس کارش بجایای دور و دراز کشید، بدین ترتیب کشف گردیده بود...



در ابتدا، بلرزه در آوردن سیمها فقط با عمل کشیدن آن صورت میگرفت و مدتی طول کشید تا لرزاندن آن بوسیله مالش رواج یابد. ولی در اینجا نیز کمان شکارچی ابتدائی را اساس ساختمان «آرشه» باید شمرد. ساختمان این سازهای مقدماتی بتدریج رویتکامل رفت، اسلوب‌های جدید عمل آوردن چوب، استخوان و عاج، استعمال فلزات و افزودن «صندوقچه‌های

طنینی» [Caisses de résonance] در صنعت ساختن آلات موسیقی (که بیوسته در پی یافتن تازگیهای مفید میباشد) تأثیری بسزا و فوری بخشید. این وضع در دوره معاصر نیز بهمین منوال است و سازهای شکفت‌انگیز و بیسابقه «الکترونیک»، شاهد این مدعا میباشد.

تذکر نکته دیگری نیز در اینجا بی‌مناسبت نیست و آن اینکه تحقیقات و تجسساتی که برزمینه موسیقی دوره‌های ماقبل تاریخ صورت گرفته است کمتر حاکی از تفوق قوم و ملت مخصوصی، از لحاظ موسیقی، بر اقوام و ملل دیگر است و برعکس چنین برمیآید که موسیقی، در دوره‌ها و مناطق مختلف و در میان تمدن‌ها و آداب و رسوم گوناگون، بیوسته نقشی همانند بهمه داشته است. از زمانیکه



انسان بزندگی اجتماعی پرداخته، در همه جا، از موسیقی بیک نوع استفاده کرده‌اند، عاشق دلخسته از تارهای ساز خود میخواست است که وصف حالش را بنماید، طبل و شیبور حس جنگجویی سربازان را بهیجان آورده و آواز جمعی، وسیله‌ای برای سیاسگزاری بدرگاه قدرت‌های آسمانی بوده است.

در شماره آینده: خط موسیقی